

((بهترین پاسببان انسان کیست؟))

دنیاى ما مجموعه اضداد است شب هست روز هم هست ، خیر دارد شر هم دارد، درد و درمان ، غم و شادی ، خوبی و بدی ، بلندی و پستی ، دنیاى ما را تشکیل میدهند بارها شنیده‌ایم که هر فرد دنیاى کوچکی است و نمونه کاملی از اضداد خلقت است .

خواه آدم را دنیاى کوچکی بدانیم یا ندانیم مسلم اینست که يك فرد يك مجموعه‌ای از خوبی ها و بدیهاست مجموعه‌ای از خیر و شر است مجموعه‌ای از محاسن و معایب است .

نه حسن مطلق است و نه عیب مطلق - من ، تو ، او ، ما ، شما ، ایشان ، از اینقاعده مستثنی نیستیم شاید بهمین دلیل بود که از قدیم الایام گفته‌اند « بی عیب خداست » مفهوم مخالف این جمله مشهور اینست که هر وجودی غیر از خدا ، خالی از عیب نیست شرایع و ادیان ، احکام زمینی و آسمانی ، علم اخلاق ، قراردادهای اجتماعى همه

ریش خود را بچنابانید و چیلگی آزاد نمود

ای گروه دزدان که بجامه افسانى جلوه کرده‌اید و در محفل اجتماع کرد آمده‌اید سلطان عدالت آن خدای رحیم و مهربان باشماست. او در دزدی شما . در افعال بد شما . در اسرار و شما که علوم دنیاهوچا با جامه شما قدم بر میدارد هنرهای شما را مهداند . و افعال شما را می بیند . اما باید استاد بود باید چشم شما هنر داشته باشد . و قلب شما بنور ایمان روشن تا او را به بیند هنر چشم و نور ایمان میتواند در روز رستخیز شما را نجات دهد هر که چشمش خدا را شناخت و دلش خدا را دید آنجا خواهد گفت

(وقت آن شد ای شه مکتوم سیر گزم کرم ریشی بچنابانی بخیر)

باید انسان واقعی بود تا

(شاه را شرم آید از روز بار که هشب بر روی شه بودش نظار)

شه با شماست او را به بینید تا فردا بشناسید و هنرش را برویش بزیند شه باشماست او را از چنك ندهید . خوب بشناسیدش آنوقت بگوئید تو گفتی رحیمی و بخشنده پس رحم و بخشش تو کجاست ؟ یا بقول (رندانه مرسید که او هست؟)

برای این جاری است که انسان تا جائیکه میتواند بر عیبها، شرها و نقصها غالب شود تا حسن و خیر و کمال مجال رشد بیشتر پیدا کند.

البته هر قدر نقیصهها بر طرف شود آثار سلامت پدیدارتر میشود و هر قدر افراد یک قوم یا ملتی منزهرتر و پاکتر، بی عیب تر جلوه کنند طبعاً جامعه که از اجتماع افراد پیدا میشود، بی عیب تر و سالمتر، جلوه گر خواهد شد بدیهی است جامعه بی عیب پر خیرتر خواهد گردید وقتی که عمل خیر یا بعبارت دیگر عمل صالح رایج گردید آثارش بصورت صلح و صلاح، پاکی و محبت، یک چپتی و اتحاد هویدا میگردد که نتیجه قطعی آن کامیابی و رفاهیت و سعادت جامعه است.

کدام جامعه، جامعه ای که از افراد تشکیل گردیده پس خوبی فرد در جامعه موثر میشود و خوبی جامعه فرد را مرفه و سعادت مند خواهد کرد.

با این مقدمه شرط اول خیر دوستی و جامعه نوازی و ملت دوستی خلاصه مسلمانی اینست که هر کس در درجه اول خودش را از لحاظ خوی و خاصیت بشناسد، اعمال خود را پیش خود و خدا تحت بررسی و بازرسی قرار دهد، و خودش را و کارش را و ظاهر و باطن خود را مانند مفتشی تحت تفتیش و تحقیق قرار دهد.

ببیند و بفهمد که چه عیبهایی و اوجده است و از آن عیبها چه ضرر و زیانی متوجه غیر میشود و از ضرر و زیانی که شاید دیگران میگردد خود، چه نفعی میبرد آیا آن نفع تا چه حد دوام دارد و آیا ارزش آن آنقدر هست که انسان خود را معیوب و ناقص ننگهداشته و خویش را ناچارم معرفی کند؟ یا ارزش سلامت نفس و حسن عمل بیش از نفع محدود و بی دوام است.

هر وقت انسان بآن مرتبه رسید که در شب و روز فقط چند دقیقه خود مفتش اعمال خود بشود و بخود نظر کند با زیاد بدهد

باید یقین کند که وارد مرحله آدمیت شده است باید یقین کند که راه کمال را پیش گرفته است باید یقین کند که اولین قدم مهم را برای اصلاح جامعه برداشته است اینگونه بخود مشغول شدن و در خود فرورفتن و درباره خود بمنظور پی بردن به محاسن و معایب نفس و عمل فکر کردن نوعی عبادت است که به تعبیری افضل عبادات است

کسیکه بعیب خود بپردازد و برفع آن بکوشد در حقیقت هم خود را اصلاح کرده است هم خانواده خود را با توجه بآنکه خانواده اساس اجتماع میباشد اهمیت اثر این نوع افکار اصلاح طلبانه درباره نفس و عمل خویش، آشکارتر میشود اما درباره آنکه بدو خوب بندهار و گفتار و کردار خود را چگونه تمیز و تشخیص دهیم؟ کدامیک را مردود دانسته و کدامیک را نگهداشته و پرورش دهیم؟

اینقدر کافی است باین جمله توجه داشته باشیم « آنچه را که بخود نمی
پسندی ، بدیگران روا مدار »

یعنی اگر بی احترامی بخود رانی پسندیم بی احترامی بکسی راجائز ندانسته
و احترام دیگران رارعايت کنیم .

اگر حق ناشناسی نسبت بعمل خوب خود راپسند نمیکنیم نسبت باعمال خوب
دیگران حق ناشناس نباشیم اگر غیبت وبدزبانی را دربارہ خودمان نپسندیدیم ، از
غیبت وبدزبانی دربارہ دیگران خودداری کنیم .

اگر اخلال درکار خود راعیب دانستیم خود اخلال درکار دیگران ننمائیم اگر
دروغ را که ریشه کلیه مفسد است ازدیگران و برای دیگران گناه دانستیم خود نیز
از دروغ دربارہ دیگران پرهیز کنیم اگر عجله در قضاوت رابرای خود مضر دانستیم
درکار دیگران بشتاب قضاوت نکرده تحقیق وانصاف را مداخله دهیم .

اگر مداخله در امور خصوصی خود راجائز ندانستیم در امور خصوصی دیگران
بی محابا وبیش از دعوت مداخله ننمائیم .

خلاصه بغاطر بیاوریم هراتر و عملی که موجب آزر دگی خاطر ما میشود
موجب آزر دگی خاطر غیرهم میشود .

نکنیم که نکنند زیرا هر عملی راعکس العملی است وقتی بد کردیم هر قدر هم
در خفا باشد بدخواهیم دید و اگر کار بروفق عدالت وانصاف کنیم هیچگاه بیعدالتی
وبی انصافی راه سعادت مارا سد نخواهد کرد .

مضافا انس وعادت بعدالت و انصاف بخودی خود موجب اشاعه آن شده و
تدریجا جامعه را بخیر وصلاح رهبری خواهد کرد .

نگاه کنید بزندگی خاندانها اقوام وملتها و درست تعمق وتدقیق کنید وبینید

که دامیک بظاهروباطن سعادت مند و نامبردار شده اند؟ و که دامیک بظاک سیاه نشستند؟ هر
جامعه ای که افرادش دست بدست هم دادند که باری ازدوش یکدیگر بردارند حتی در
شکست ، کمتر سنگینی مصیبت را درک کردند و برای نجات سبکبال تر شدند و هر قومی
که افرادش دست بدست هم داد که باری بردوش دیگری گذارد که خود را سبکبار کند
حتی در پیروزمندی هم منفردماند احساس تنهایی کرد و همان احساس واضطراب
بالاخره باعث سقوطش گردید .

بااین تفصیل شما ای خواننده عزیز بغاطر بسپارید که حسن مطلق نیستید
وبیاد داشته باشید که بهترین پاسبان انسان خود اوست .

پاسبان خود باشید پیش از آنکه بعیب دیگران مشغول شوید برفع عیب خود
بپردازید که عالیترین خدمت رابخود و خانواده خود، بدین خود و بوطن خود کرده اید

والحلام علی من اتبع الهدی